علمی - پژوهشی
فصلنامهٔ تخصّصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال بیستم، شمارهٔ ۷۷ «ویژهٔ باور شناخت»، زمستان ۱۴۰۱، ص ۷۶-۹۳

نگاهی دیگر به آفرینش مخلوقات از ماء

میر فرّخ فتاح‌زاده / غلام‌حسین تاجری نسب

چکیده:

خدای متعال در قرآن (آیه ۳۰ انبیاء و ۴۵ نور) خلقت هر موجود زنده‌ای را از «ماء» دانسته است. مترجمان و مفسران این کلمه را به آب (یا به شکل ترکیب هیدروژن و اکسیژن و یا مایع حاوی نطفه) ترجمه و تفسیر کرده‌اند. از آن جا که بسیاری از موجودات زنده، مانند فرشتگان، پریان، حضرت آدم و عیسی و پرندگان خلق شده به دست آن حضرت، آفریدهٔ از آب نیستند و از طرفی گیاهان و بسیاری از حیوانات از طریق نطفه ایجاد نشده‌اند، مفسران ناگزیر شده‌اند عبارت «کل شیء حی» را در این آیه محدود سازند و به دلایل مختلف، موجودات یادشده را از شمول این آیه خارج سازند. در ضمن گرچه بسیاری از مفسران، خلقت موجودات زندهٔ انتخاب شده را از آب دانسته‌اند، ولی در توضیح سخن خود نتوانسته‌اند پایبند به آن باقی بمانند و معنای آیه را تغییر داده و حیات موجودات را وابسته به آب دانسته‌اند و در عمل، معنای منتخب خود را تغییر داده‌اند. با بررسی دقیق روایات، به دست می‌آید که منظور از ماء، مادهٔ اولیه آفرینش است که بسیار لطیف می‌باشد و خدای متعال همهٔ موجودات دنیوی و اخروی را از آن آفریده است. با چنین رویکردی، نباید اسم خاص ماء در این دو آیه و برخی از روایات به آب ترجمه شود؛ آنگاه آفریده شدن هر موجود زنده‌ای از ماء، به راحتی توجیه می‌گردد و نیازی به محدود ساختن عبارت «کل شیء حیّ» و خروج از ظاهر آیه نیست و مفسر می‌تواند پایبند به ترجمه خود باقی بماند و در شرح سخن خویش از ترجمهٔ اولیه خود رویگردان نشود.

کلید واژه: خلقت؛ آفرینش، ماء؛ ماء بسیط؛ آب، مادة المواد.

مقدمه:

خدای متعال در قرآن، آفرینش همۀ موجودات زنده را از ماء دانسته است. برخی از مفسران، عبارت «هر موجود زنده» را محدود ساخته و معنای این عبارت را، «خلقت برخی از موجودات زنده از آب[1]» دانسته‌اند. آیا آن‌ها موفق شده‌اند برای چنین ترجمه و تفسیری، سخنان مستدلّ، نظام مند و بدون تناقض و اختلاف ارائه کنند؟

مفسران، براساس دو آیه ۳۰ انبیاء و ۴۵ نور، خلقت موجودات زنده را از آب دانسته‌اند؛ ولی به هنگام شرح و تبیین سخن خویش، برخی از عهدۀ شرح این موضوع برنیامده اند؛ برخی دیگر نیز، عملا از این فرض اولیه، یعنی خلقت از آب؛ روی‌گردان شده و گرفتار ناهم‌گونی در گفتار گشته‌اند. این ناهماهنگی و ضعفِ سخن در چنین موضوع حساس سبب بروز شبهات می‌شود، لذا نگارنده پرداختن به آن را بر خود و پژوهشگران مسلمان لازم می‌داند.

البته در موضوع آفرینش و آیات آن در قرآن، کتاب‌ها و مقالات فراوانی وجود دارد، ولی در عین حال پرسش‌های حل نشدۀ بسیاری هست که نیاز مبرم به تمرکز بیشتر بر روی آن‌ها دیده می‌شود. یکی از آن‌ها موضوع آفرینش موجودات از ماء است که کمتر به آن پرداخته‌اند. مقالۀ حاضر با بررسی ۶۵ تفسیر شیعی، ۵۰ تفسیر سنی و ۲ تفسیر زیدی، به بررسی این مطلب پرداخته و ضرورت بازنگری در انگارۀ «خلقت موجودات زنده از آب» را نشان داده است. در فرض اولیه، صاحبان تفاسیر، ماء را به معنی آب دانسته اند؛ اما دیده‌اند که بسیاری از موجودات، در این محدوده قرار نمی‌گیرند، لذا وادار شده‌اند که عبارت مطلق و بدون قید «کل شیء» در قرآن را محدود سازند.

با مراجعه به سخنان اهل بیت علیهم‌السلام می‌توان قراین و دلایل فراوانی پیدا کرد که کلمۀ ماء در این دو آیه، دلالتی بر آب ندارد و در ترجمه نیز نباید آن را به معنی آب دانست. این کلمه در قرآن معانی مختلفی دارد و در این آیات، اشاره به ماده اولیه‌ای می‌کند که همه موجودات زنده، چه دنیوی و چه اخروی، از آن آفریده شده‌اند. در این صورت، نیازی به

---

۱. مراد از «آب» در سراسر این مقاله، مایع معروف یعنی ترکیب شیمیایی هیدروژن و اکسیژن است.

محدود سازی عبارت «کل شیء حی» و خارج کردن آن از معنای ظاهری نخواهد بود؛ هم چنین انسجام و نظام مندی سخن در سراسر آن محفوظ و هماهنگ می‌ماند و با ترجمه آیه نیز سازگاری دارد.

از آن جا که در تاریخ اندیشهٔ بشری، موضوع خلقت همیشه برای اندیشمندان جذاب و مهم بوده است و بحث از مادهٔ اولیه آفرینش در بسیاری از مباحث ایشان به چشم می‌خورد (تاریخ فلسفه، کاپلستون/۲۸/۱). ما نیز می‌توانیم با افتخار نشان دهیم قرآن که آینهٔ آفرینش الهی و حاوی تمامی حقایق آن می‌باشد (نحل/۸۹: وَنَزَّلْنا عَلَيْكَ الْكِتابَ تِبْياناً لِكُلِّ شَيْءٍ). در این موضوع نیز سخنی تازه ارائه می‌کند. البته، نه مانند برخی که پس از کشف مباحثی از جانب غربیان، به دنبال هماهنگ سازی آیات قرآن با یافته‌های آن‌ها هستند، بلکه به عنوان سخنی جدید در علوم طبیعی که توان هماوردی با کشفیات آن‌ها را دارد.

بررسی لغوی ماء

تقریبا بیشتر لغت شناسان ذیل ریشه «موه» و در توضیح کلمه ماء، اشاره کرده‌اند که این کلمه شناخته شده و بی‌نیاز به توضیح است. لذا به شرح آن نپرداخته‌اند و از کلماتی که این معروفیت را نشان می‌دهد، استفاده کرده‌اند. به عنوان نمونه خلیل و ابن درید و ابن سیده به ذکر عبارت «معروفٌ» (ترتیب کتاب العین/۱۷۳۷/۳؛ جمهرة اللغة/۲۴۸/۱؛ المحکم و المحیط الاعظم/۴۴۵/۴) و جوهری به «ما یشرب» (الصحاح/۲۲۵۰/۶) اکتفا کرده‌اند. برخی نیز مانند ابن فارس حتی به این مقدار هم شرحی نداده‌اند (معجم مقاییس اللغة/۲۸۶/۵). زبیدی در تاج العروس پس از نقل سخن برخی که گفته‌اند: «هو جَوْهَرٌ لا لَوْنَ له»، از شیخ خود نقل کرده است که این کلمه در نزد عرب شناخته شده است و نیازی به شرح بیشتری ندارد (تاج العروس/۹۷/۱۹). مصطفوی از معدود کسانی است که بر معنای دیگری تاکید کرده و ماء را «سیّالی لطیف و جاری دانسته است که استعداد تحوّل به شکل‌های متنوّع و گوناگون را دارد» (مصطفوی، التحقیق فی کلمات القرآن/۲۲۰/۱۱).

کاربرد کلمۀ ماء در قرآن

کلمه ماء در ۶۳ آیه (۵۹ بار به صیغه مفرد و بدون ضمیر، و چهار بار به همراه ضمایر متّصل) در موارد زیر به کار رفته است:

۱) آب (آب باران،آب وضو، سیل و مطلق آب): ماء به این مفهوم در قرآن چنین توصیف شده است: ماء طهوراً (الفرقان/۴۸)؛ ماء مبارکاً (ق/۹)؛ ماء ثجّاجاً (نبأ/۱۴)؛ ماء فراتاً (المرسلات/۲۷) و ماء مسکوب (الواقعة/۳۱).

۲) آب جهنّم (مایعی که در جهنم به جای آب به اهل آن داده می‌شود). این مایع با دو ویژگی توصیف شده است: صدید (زرد و چرکین) (ابراهیم/۱۶) و حمیم (جوشان و سوزان) (در دوازده آیه ذکر شده است از جمله: الانعام/۷۰)

۳) مایع حاوی یاخته‌های نرینگی: این مایع که حاوی سلول‌های جنسی مردانه می‌باشد، با دو ویژگی نام برده شده است: مَهین (ناچیز و بی ارزش) (المرسلات/۲۰و السجده/۸)؛ دافق (جهنده) (الطارق/۶)

۴) نوشیدنی گوارایی که با استقامت در طریق مشخصی خداوند وعده چشاندن آن را به انسان داده است "ماء غدقاً" (الجن/۱۶)

۵) ماده‌ای که خدای متعال موجودات زنده را از آن خلق کرده است. (الانبیاء/۳۰ و النور/۴۵)

این ویژگی‌ها و کاربردها نشان می‌دهد که لزوماً ماء در همه جا در مفهوم آب به شکل ترکیبی از هیدروژن و اکسیژن نمی‌باشد، بلکه ویژگی‌های مشترکی سبب شده است که در جاهای مختلف و حتی در عوالم دیگری از این کلمه استفاده شود و در هر جایی به جهت یک یا چند ویژگی آن، مورد استفاده قرار گیرد. از این رو می‌بینیم که ائمه اطهار علیهم‌السلام در تفسیر برخی از آیات (مانند آیۀ ۳۰ سوره ملک) حضرت مهدی علیه‌السلام را (الکلینی، الکافی/۳۴۰/۱:...إِذَا غَابَ عَنْكُمْ إِمَامُكُمْ فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِإِمَامٍ جَدِيدٍ) و در برخی دیگر علم و دانش (استرآبادی، تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة/۷۰۳) را از مصادیق این کلمه دانسته‌اند.

خداوند متعال در دو آیه از قرآن، خلقت موجودات زنده را از ماء دانسته است.

"وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماء..." (نور/۴۵)

"أَ وَلَمْ يَرَ الَّذينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّماواتِ وَالْأَرْضَ كانَتا رَتْقاً فَفَتَقْناهُما وَجَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَ فَلا يُؤْمِنُون" (انبیاء/۳۰)

بیشتر مترجمان و مفسران کلمه الماء در این دو آیه را به آب ترجمه و تفسیر کرده‌اند، ولی با کمی دقت نظر در این مفهوم، ابهامات متعددی به چشم می‌خورد که در گفتار مفسران یا به آن‌ها اشاره‌ای نشده است و یا توضیحات ایشان نمی‌تواند پاسخ‌گوی این مشکلات باشد. برای بررسی این ابهامات، باید در این دو آیه نکات زیر به دقت بررسی شود:

۱- کلمه "جعل" در این آیه چه معنایی دارد؟

۲- کلمه ماء در میان مترجمان و مفسران به چند شکل ترجمه یا تفسیر شده است؟

۳- آیا مفسرانی که جعل را به معنای خلق دانسته‌اند، موفق شده‌اند بر این ترجمه پایبند باقی بمانند یا این که در توضیحات خود از این معنا عدول کرده‌اند؟

۴- آیا عبارت «کل شیء حیّ» (همه موجودات زنده)، به راستی شامل همه موجودات زنده است یا این که باید برخی موجودات زنده را از آن استثنا کرد؟

۵- آیا تکیه برخی از مفسّران به علوم تجربی روز در این زمینه، کمکی به تبیین و تفسیر این آیه نموده است؟

۶- آیا باوری را می‌توان به عنوان پشتوانهٔ خارج ساختن فرشتگان از شمول آیه در سخنان برخی از مفسران پیدا کرد؟

۷- آیا می‌توان با تکیه بر قراینی، از جمله روایات معصومین علیهم‌السلام، در معنای کلمه ماء بازنگری نمود و این کلمه را منحصراً مایع مشهور متشکل از هیدروژن و اکسیژن ندانست؟

نکته اول: بررسی کلمه جعل

۱- آیه (وَجَعَلْنا مِنَ الْمآءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ) در میان مترجمان به سه گونه ترجمه برمی‌خوریم: برخی از آن‌ها جعل را یک مفعولی و به معنی آفریدن می‌دانند (آیتی، الهی قمشه‌ای، خواجوی، فولادوند، فیض الاسلام، مشکینی)؛ برخی دیگر جعل را دو مفعولی و به معنی زنده قرار دادن دانسته‌اند (: ارفع، بروجردی، فارسی، صفارزاده)، و تعداد کمی هم، از کلماتی مانند گردانیدیم،

قرار دادیم، و... (از جمله رضایی، شعرانی و مکارم) به گونه‌ای بهره برده‌اند که موضع آن‌ها به روشنی قابل تشخیص نیست.

اگر کلمه جعل به معنای خلق باشد، آیه چنین ترجمه می‌شود: ما هر موجود زنده‌ای را از آب آفریدیم. آیه ۴۵ سوره نور (وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِنْ ماء...) شاهدی برای این ترجمه است. ولی اگر جعل به معنی «قرار دادن» باشد، در این صورت باید دو مفعول را در جمله برای آن نشان بدهیم و معنای عبارت چنین می‌شود: ما همه موجودات را به وسیله آب؛ حیّ و زنده قرار دادیم. (زمخشری، کشاف/۱۱۳/۳)

براساس ظاهر آیه، کلمه حیّ در این آیه به صورت صفت برای کلمه شیء به کار رفته است و دو مفعولی دانستن کلمه جعل در این آیه و ترجمه اخیر با شکل ظاهری عبارت هماهنگی ندارد. به همین جهت بیشتر مترجمان و مفسّران کلمه جعل را به معنای خلق دانسته‌اند و برخی از آن‌ها در این تفسیر خود، آیه ۴۵ سوره نور را به عنوان شاهد ذکر کرده‌اند. با توجه به این برداشت عمومی و وجود قرینۀ روشن و با توجه به ظاهر آیه، رویگردانی از این معنا نیاز به تکلف زیادی خواهد داشت.

بیشتر مفسّران، از جمله ابن شهرآشوب مازندرانی (متشابه القرآن و مختلفه/۳۰/۱)، بیضاوی (انوار التنزیل/۵۰/۴)، مراغی (تفسیر مراغی/۲۶/۱۷)، قرطبی (الجامع لاحکام القرآن/۲۸۴/۱۱)، سید بن قطب شاذلی (فی ظلال القرآن/۲۳۷۶/۴)، فخر رازی (مفاتیح الغیب/۱۳۸/۲۲)، طباطبایی، جوادی آملی و معرفت (التمهید/۳۳/۶) کلمه جعل را به معنی خلق دانسته‌اند. اما برخی از ایشان مانند شیخ طوسی عبارت «**وَجَعَلْنا مِنَ الْماءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ**» را به معنی «هر چیزی به وسیله آب زنده گشت» گرفته و گیاهان را نیز مشمول این عنوان دانسته و این قول را برسخن کسانی که ماء را به معنای نطفه دانسته‌اند، ترجیح داده است (التبیان /۲۴۳/۷: و المعنی إن کل شيء صار حیاً)

طبرسی بیان می‌کند که خداوند متعال، با همان آبی که از آسمان فرستاده، موجب حیات همه چیز می‌گردد (مجمع البیان/۷۲/۷). زمخشری در قول دوم خود بیان می‌کند که شدت احتیاج حیوانات به آب، به قدری است که گویا از آن خلق شده‌اند

(الکشاف/۱۱۳/۳). شوکانی نیز مانند طبرسی آب را مایع حیات همه موجودات دانسته است (فتح القدیر/۴۷۸/۳).

زمخشری در قول دوم خود، جعل را دو مفعولی و به معنای إحیاء دانسته است (زمخشری، کشاف/۱۱۳/۳).

نکته دوم: ترجمه و تفسیر کلمه ماء

مترجمان قرآن همگی ماء را به معنی آب دانسته‌اند.[۱] همه مفسران شیعی به جز موارد نادری (سبزواری نجفی، تفسیر الجدید فی تفسیر القرآن المجید/۴۹۲/۴)، و بیشتر مفسّران سنی، ماء را به معنی آب و برخی به معنای نطفه دانسته‌اند.

گروه اخیر گاهی به برخی آیات دیگر که به آفرینش انسان ازنطفه اشاره دارد، استناد کرده‌اند، مانند این آیات: «إِنّا خَلَقنَا الانسان مِن نُطفَةٍ أَمشاجٍ» (الانسان/۲)، «أَلَم نَخلُقکم مِن ماءٍ مَهینٍ» (المرسلات/۲۰)؛ «فَلینظُرِ الإِنسانُ مِمَّ خُلِقَ * خُلِقَ مِن ماء دافِق» (الطارق/۵ و ۶). به عنوان مثال، میبدی (کشف الاسرار و عدة الابرار/۲۳۱/۶) بر این عقیده بوده است و برخی دیگر مانند ابن ابی حاتم (تفسیر القرآن العظیم/۲۴۵۱/۸) و سمرقندی (تفسیر سمرقندی/۴۲۵/۲) این سخن را به تابعی مشهور ابوالعالیهٔ نسبت داده‌اند. البته کلمه ماء در تمام این آیات به صورت نکره و به همراه یک صفت تعیین کننده آمده است، ولی در آیه مورد نظر(انبیاء/۳۰) این کلمه با الف و لام و به صورت مطلق آمده است.

نکته سوم: پایبندی به ترجمه

مفسّرانی که جعل را به معنی خلق دانسته‌اند، در توضیح گفتار خود، بر این ترجمه وفادار و صادق نمانده‌اند و در عمل سخن خود را به نفع دو مفعولی بودن جعل تغییر داده و به نقش مهم و حیاتی آب در زندگی موجودات پرداخته و از آفریده شدن موجودات از آب سخنی به میان نیاورده‌اند.

هنگامی که در باره آفرینش چیزی از یک چیز دیگر سخن گفته می‌شود، موجود جدید یا

۱. در این بررسی، بر کتابهای تفسیری موجود در نرم افزار نور تکیه شده است و کلمه بیشترین، با توجه به مفسرانی است که کتابهای آنها در این نرم افزار موجود می‌باشد.

باید جزئی از ماده اولیه باشد یا ماده اولیه تغییری یافته و به موجود جدید تبدیل شود. برخی از مفسّرانی که این ترجمه را برگزیده و جعل را به معنی خلق دانسته‌اند، هیچ توضیحی در این باره نداده‌اند و برخی دیگر در توضیح و شرح این گزینش، تنها بیان کرده‌اند که موجودات زنده نیاز شدید به آب دارند و زندگی آن‌ها به شدت وابسته به آب می‌باشد. یعنی گرچه سخن از آفرینش موجودات زنده از آب بوده است، ولی عملا به سوی وابستگی به آب گرایش یافته‌اند، یعنی در ابتدا جعل را یک مفعولی دانسته و در شرح آن به شکل دو مفعولی توضیح داده‌اند.

ملا فتح الله کاشانی ابتدا به صراحت جعل را به معنی خلق می‌داند، ولی در شرح آن بیان می‌کند که چون بخش اعظم بدن انسان از آب است یا این که به شدت به آن احتیاج دارد، این گونه تعبیر شده است، گویی که خدا موجودات را از آب آفریده است. (منهج الصادقین/۵۸/۶) ملامحسن فیض نیز ابتدا به استناد آیه ۴۵ سوره نور، معنای خلق را برگزیده، ولی سپس احتمال دوم را نیز مطرح کرده است که جعل می‌تواند به معنای احیاء باشد و دلیل خود را شدت احتیاج موجودات زنده به آب دانسته است. (الاصفی/۷۸۲/۲).

علاّمه طباطبایی گرچه جعل را به معنی آفریدن و عبارت كُلَّ شَيْءٍ حَيّ را مفعول آن می‌شمارد، و به آیه ۴۵ سوره نور هم استناد می‌کند، ولی در عین حال در توضیح سخن خود عملاً از این معنا منصرف شده و به وابستگی موجودات به آب می‌پردازد. او معتقد است که آب نقش مهم و دخالت تامّی در هستی موجودات زنده دارد واین مساله، یعنی ارتباط زندگی با آب، در مباحث علمی به خوبی روشن شده و به ثبوت رسیده است (المیزان/۲۷۹/۱۴). در تفسیر نمونه نیز می‌بینیم که ابتدا سخن از آفرینش موجودات از آب مطرح شده (تفسیر نمونه/۳۹۴/۱۳) و سپس در ادامه بیان شده است که حیات موجودات به آب بستگی دارد. (تفسیر نمونه/۳۹۶/۱۳).

نقد و بررسی:

وابستگی به یک چیز، دلیل خلق شدن از آن نیست. مثلاً موجودات زنده به شدت به هوا وابسته هستند، ولی از آن آفریده نشده‌اند.

به این ترتیب می‌بینیم که این گونه تفاسیر، با ظاهر یک مفعولی آیه هماهنگی ندارد و با فهم ابتدایی خود مفسّران نیز همساز نیست؛ زیرا جعل را به معنی خلق دانسته‌اند، ولی توضیحی در باره خلقت نداده، بلکه در باره احتیاج موجودات زنده به آب سخن گفته‌اند.

نکته چهارم: محدود ساختن عبارت کل شیء حی

اگر در این آیه ماء به معنی آب (چه آب نوشیدنی، آب باران و یا مایع حاوی یاخته‌های نرینگی) باشد، بسیاری از موجودات را نمی‌تواند شامل گردد و مجموعه بزرگی از عالم تکوین خارج از این حکم الهی خواهند بود.

مفسّران به این نکته اشاره کرده‌اند که بسیاری از موجودات زنده این عالم از آب خلق نشده‌اند. مثلاً فرشتگان و پریان، حضرت آدم و عیسی، پرندگانی که حضرت عیسی آفرید، هیچ کدام از آب آفریده نشده‌اند. لذا برای حل این مشکل، مجبور به محدود ساختن کلمه کل گشته‌اند.

محمد بن ابی بکر رازی حنفی برای این که نشان دهد کلمه کل نباید لزوما معنای مطلقی داشته باشد و همه موارد را شامل گردد دو آیه "وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ" (النمل/۲۳) و "وَ جاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكانٍ" (یونس/۲۲) را به عنوان شاهد ذکر کرده و نتیجه گرفته است که عبارت "کلّ شیء حیّ" نیز نظیر آنها شامل همه موجودات نیست. همچنین بیان کرده که خلق موجودات از آب لزوماً نباید بی‌واسطه باشد، بلکه اگر با واسطه نیز آفریده شده باشند، همین اطلاق شامل حال آن‌ها می‌شود مانند این روایات که خداوند فرشتگان را از نسیمی برخاسته از آب، جن‌ها را از آتشی برخاسته از آب و آدم را از خاکی برخاسته از آب آفریده است." (أسئلة القرآن و أجوبتها/۲۰۹)

نقد: این آیات نمی‌تواند شاهد مناسبی برای عبارت «کل شیء» در آیه مورد نظر باشد. در هر دو شاهد یادشده، قرینهٔ عقلی کاملاً روشنی در محدود بودن کلمه کل وجود دارد. در بهره‌مندی ملکهٔ سبا از هر چیزی، کاملاً روشن است که او به طور مطلق دارای همه توانایی‌های عالم نیست و در ادامه آیات هم، توانایی بیشتر حضرت سلیمان به رخ او کشیده شده است. در آیه بعدی نیز به قرینهٔ عقلی آمدن موج از هر مکانی مطرح نیست،

بلکه در محدوده همان مکانی است که سخن از موج می‌رود، نه از تمامی مکان‌های موجود در عالم. پس آیه مورد نظر که در آن «آفرینش همه موجودات زنده از آب» مطرح شده است، شباهتی با شواهد آورده شده ندارد و استشهاد مفسر مزبور دقیق نیست.

فخر رازی عبارت آیه را شامل همه موجودات زنده از جمله گیاهان می‌داند، ولی با قبول موارد استثناء؛ از جمله: جن‌ها با استناد به آیه "وَالْجَانَّ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَارِ السَّمُومِ" (الحجر/۲۷)، آدم علیه‌السلام با آیه "...خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ..." (آل عمران/۵۹) و پرندگان خلق شده حضرت عیسی علیه‌السلام بر اساس آیه " وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْراً بِإِذْنِي " (المائده/۱۱۰)؛ او فرشتگان را نیز خارج از این محدوده می‌شمارد. (مفاتیح الغیب/۱۳۸/۲۲)

جوادی آملی گرچه آفرینش فرشتگان را خارج از مصادیق این آیه می‌داند، ولی برای نفی دخالت آب در حیات یا خلقت جن و پرندگان آفریده شده توسطِ حضرت عیسی علیه‌السلام دلیل قانع‌کننده‌ای سراغ ندارد. (تفسیر تسنیم/ذیل آیه ۳۰ انبیا برگرفته از سایت اسراء). در عین حال یادآوری می‌کند که حل پیچیدگی‌های این موضوع نیاز به تأمّلات و دقّت نظرهای فراوان دارد و با بنای عقلا و نگاه عرفی نمی‌توان این مشکل را حل کرد که از طرفی همه موجودات زنده از آب خلق شده باشند و از طرفی آفرینش جن را از آتش و انسان را از طین بدانیم. (همان).

فخر رازی سه توجیه را در باره این آیه ذکر کرده و در میان آن‌ها قول قفّال را بهترین دانسته و برگزیده است. او بیان کرده که جارّ و مجرور «من ماء» متعلّق به «کلّ دابة» می‌باشد، نه متعلّق به «خلق». در نتیجه معنی آیه این می‌شود که تمام حیواناتی که از نطفه پدید آمده‌اند، مخلوق خدایند. (التفسیر الکبیر: ج ۲۴ ص ۱۶.)

نقد: این سخن، پرده از نکته جدیدی برنمی‌دارد، زیرا بدیهی است که همه موجودات را خدای متعال آفریده است. بیان این حقیقت بدیهی چه نکته جدیدی را به همراه خواهد داشت؟

نکته پنجم: تکیه بر مباحث علوم تجربی در تفسیر آیات

معرفت با اشاره به آیه (وَكَانَ عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ) (هود/۷) بیان می‌کند که آیه کنایه

است به این که غیر از خداوند چیزی نبود و خدای متعال پیش از هر چیزی آب را آفرید (التمهید/۳۲/۶). او هیچ کدام از سه توجیه فخررازی در مورد آیه ۳۰ انبیاء را نمی‌پذیرد و بیان می‌کند که مفسّران محقق از ابتدا نظری جز این نداشته‌اند که آب، ریشه و اصل همه موجودات می‌باشد و حیات و نخستین نشانه‌های آن به شکل جانداری ساده که آمیب می‌باشد، از آب ناشی شده است و سپس به جانداران مرکب و متعدد گسترش یافته است. البته ایشان در ادامه بیان می‌کند که دانش روز پاسخی برای چگونگی تشکیل آمیب از آب ندارد (همان/۳۳).

نقد: گرچه آقای معرفت تصریح نموده که حقّانیت قرآن را نباید وابسته به علوم متغیّر تجربی کرد، ولی در شرح این آیه، خود نیز چنین مسیری پیموده است (همان).

مفسّرانی که ماء را به معنی نطفه دانسته‌اند، نتوانسته‌اند پاسخ‌گوی برخی از پرسش‌ها باشند. از جمله در بارهٔ گیاهان و حیوانات غیر پستاندار و هزاران نوع دیگر از جانداران که تولید مثل آن‌ها از طریق نطفه نیست، توجیهی ندارد. بعلاوه خلقت حضرت آدم و حضرت مسیح علیهما السلام و همه جن‌ها نیز بر این اساس قابل توجیه نیست.

نکته ششم: خارج ساختن فرشتگان از شمول آیه

تقریبا تمام مفسّرانی که عبارت "کل شیء حیّ" را در آیه ۳۰ انبیاء و ۴۵ نور محدود ساخته‌اند، فرشتگان و پریان را از این دایره خارج کرده‌اند. علاوه بر تصریح قرآن در خلقت پریان از آتش (الرحمن/۱۵)، مجرد انگاری فرشتگان توسط برخی از مفسران، می‌تواند انگیزه دیگری بر این استثنا باشد.

در نگاه فلسفی، فرشتگان، از وجودات خالص و بدون ماهیت‌اند (مفاتیح الغیب/۵۳۰) و مکان داشتن آن‌ها در آسمان، به معنی تعلق‌شان به آن است و از این رو منافاتی بین تجرد آنها و حضورشان در آسمان نیست (بحرانی، ابن میثم، قواعد المرام فی علم الکلام/۱۶۰). حتی برخی، آسمان‌های حضور آن‌ها را نیز برزخی و مجرد دانسته‌اند (رسائل توحیدیه/۱۸۹) و نزول و صعودشان را نیز از سنخ مجردات برشمرده‌اند.

آفرینش از آب و یا حتی ماندگاری موجودات به سبب آب، با هیچ توجیهی با تجرّد

آنها سازگاری ندارد. از این رو مفسری که چنین باوری داشته باشد، ناگزیر این گروه را به هر شکلی، خارج از محدوده آفریده شدگان از آب می‌داند (طباطبایی، ج ۲۷۹/۱۴).[۱]

نقد مجردانگاری فرشتگان:

توصیفات قرآن و روایات نقل شده از معصومین علیهم‌السلام، با تجرد فرشتگان همسازی ندارد. بخشی از این توصیفات به قرار زیر است:

فرشتگان دارای صف و ردیف هستند: وَجاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا (فجر/۲۲)، بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُرْدِفينَ (انفال/۹)؛ قابل شمارش هستند و تعداد دارند: يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِثَلاثَةِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ مُنْزَلينَ (آل عمران/۱۲۴)؛ بِأَلْفٍ مِنَ الْمَلائِكَةِ (انفال/۹)؛ نشان دار می‌باشند: الْمَلائِكَةِ مُسَوِّمينَ (آل عمران/۱۲۵)؛ دست دارند: وَالْمَلائِكَةُ باسِطُوا أَيْديهِمْ (انعام/۹۳)؛ عروج و نزول دارند: تَعْرُجُ الْمَلائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْه (المعارج/۴)؛ تَنَزَّلُ الْمَلائِكَةُ وَالرُّوحُ فيها (القدر/۴)؛ سجده کرده‌اند: فَسَجَدَ الْمَلائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ (ص/۷۳)؛ جا و مکان دارند: يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَداً (الجن/۲۷)؛ عَنِ الْيَمينِ وَعَنِ الشِّمالِ قَعيدٌ *ما يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلاَّ لَدَيْهِ رَقيبٌ عَتيدٌ (ق/۱۷-۱۸)؛ تَرَى الْمَلائِكَةَ حَافِّينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْش (الزمر/۷۵)؛ بال دارند: أُولِي أَجْنِحَةٍ مَثْنى وَثُلاثَ وَرُباعَ (فاطر/۱)؛ از درهای مختلف وارد می‌شوند: وَالْمَلائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بابٍ (الرعد/۲۳).

توصیفات فرشتگان در روایات به گونه‌ای است که هیچ شکی در مادّی بودن‌شان بر جای نمی‌گذارد.[۲] امیر مؤمنان علیه‌السلام آن‌ها را دارای شکل‌های مختلف و بال‌های گوناگون معرفی فرموده است: أَنْشَأَهُمْ عَلَى صُوَرٍ مُخْتَلِفَاتٍ وَ أَقْدَارٍ مُتَفَاوِتَاتٍ أُولِي أَجْنِحَة (نهج البلاغة، /خطبه اوّل).

امام سجّاد علیه‌السلام در سخنانی خطاب به ابوحمزه ثمالی تصریح می‌فرماید که فرشتگان به خانه ایشان رفت و آمد کرده و آن حضرت از پرهای ریز آن‌ها برای فرزندان‌شان گردن‌بند

---

۱. لعل ورود القول في سياق تعداد الآيات المحسوسة يوجب انصراف الحكم بغير الملائكة و من يحذو حذوهم.

۲. در این جمله، "ماده" به معنای گستردهٔ آن به کار می‌رود. طبعاً انسان از جنس ماده به معنای کثیف است، ولی ملک مادهٔ لطیف است. تفصیل این جداسازی مفاهیم، مجالی دیگر می‌طلبد.

می‌ساخته است (کلینی، الکافی/۳۹۴/۱). به نقل حسین بن أبی العلاء، امام صادق علیه‌السلام دست بر پشتی‌های خانه خود زد و فرمود: "چه زمان‌های طولانی که فرشتگان بر این‌ها تکیه زده‌اند و گاهی نیز ما از پرهای آن‌ها برداشته‌ایم." (همان/۳۹۳: عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ علیه‌السلام قَالَ: قَالَ يَا حُسَيْنُ وَ ضَرَبَ بِيَدِهِ إِلَى مَسَاوِرَ فِي الْبَيْتِ مَسَاوِرُ طَالَ مَا اتَّكَتْ عَلَيْهَا الْمَلَائِكَةُ وَ رُبَّمَا الْتَقَطْنَا مِنْ زَغَبِهَا).

اگر بنابر قول برخی مفسّران (طباطبایی، ج ۲۷۹/۱۴)، سخن گفتن از آسمان‌ها و زمین را سیاقی بدانیم که نشان دهنده آفرینش تعداد خاصّی از موجودات زنده محسوس از آب باشد، در این صورت باید همه ریزموجوداتی را هم که به چشم غیرمسلح دیده نمی‌شوند، از این دایره خارج کنیم؛ زیرا هیچ تناسبی میان آسمان‌ها و زمین با موجودات زنده‌ای همچون باکتری‌ها و ویروس‌ها وجود ندارد.

از طرفی به فرض خارج کردن فرشتگان از شمول عبارت "کل شیء"، باز هم به نظر نمی‌رسد که بتوان این مشکل را حل کرد؛ زیرا پرندگانی که حضرت عیسی آفرید و هم چنین خود حضرت آدم و عیسی علیهماالسلام نیز موجوداتی زنده‌اند که آفریده شدن ایشان با شمول آیه سازگاری ندارد. در نتیجه می‌بینیم که اگر ماء به معنی آب (از هر نوع آن) باشد، ابهامات این آیه برطرف نمی‌شود و این آیات، تنها به سبب برخی نادانسته‌ها از ظهور قطعی خود خارج شده‌اند.

نکته هفتم: قراین موجود در روایات، برای ترجمه دقیق ماء

اکنون به بررسی روایات رسیده از اهل بیت علیهم‌السلام می‌پردازیم تا ببینیم آیا می‌توان دلیلی بر بازنگری در مصداق کلمه الماء یافت و معنای دیگری برای آن در نظر گرفت که مجموع آفریدگان زنده را در بر گیرد و نیازی به محدود سازی این آیات و خارج شدن از ظهورشان نباشد. ای بسا که نتیجه بررسی‌ها نشان دهد که مانند دیگر کلمات خاصّ، کلمه ماء نیز بدون ترجمه کردن به آب، به کار برده شود.

ماء مادة المواد جهان مادی

در منابع معتبر روایی شیعی، هر جا به نحوی سخن از آفرینش است، به کثرت، کلمه

ماء دیده می‌شود. ماء ماده اولیه‌ای است که خدای متعال در ابتدای آفرینش همه چیزرا از آن آفرید. امام باقر علیه‌السلام در پاسخ به فرد شامی که در بارۀ آغاز آفرینش جهان پرسیده بود، چنین فرمود: «كانَ إذ لا شَيءَ غيرُهُ وَ خَلَقَ الشَّيءَ الَّذي جَميعُ الأشياءِ مِنهُ وَ هُوَ الماءُ...» (الکلینی، الکافی/۹۴/۸).

در این جا امام باقر علیه‌السلام ماء را به عنوان مادّة المواد همه عالم و نخستین مخلوق مادی معرفی می‌فرماید که قبل از آن چیز دیگری نبوده و همه چیز از آن آفریده شده است؛ زیرا اگر قبل از آن ماده دیگری بوده باشد، آن‌ها نیز باید از چیز دیگری آفریده می‌شدند و این تسلسل باطل پایانی نداشت؛ یا این که باید می‌پذیرفتیم که از ازل به همراه خدای متعال یک ماده‌ای موجود بوده باشد که این نیز با عقل سلیم و نقل معتبر همخوانی ندارد. تاکید آغازین روایت نیز همین باور را مردود می‌شمارد:

"كانَ الخالِقُ قَبلَ المخلوقِ. وَ لَو كانَ أوَّلُ ما خَلَقَ مِن خَلقِهِ الشَّيءَ مِنَ الشَّيءِ، إذاً لَم يَكُن لَهُ انقِطاعٌ أبداً. وَ لَم يَزَلِ اللهُ إذاً وَ مَعَهُ شَيءٌ لَيسَ هُوَ يَتَقَدَّمُهُ، و لكِنَّهُ كانَ إذ لا شَيءَ غَيرُهُ"؛ " خالق، پیش از مخلوق بوده است و اگر نخستین چیزی که آفرید (الماء)، خود از چیز دیگری خلق شده بود، این سلسله ادامه می‌یافت و هرگز انقطاع نداشت و در این صورت باید به صورت ازلی و همراه با خدا موجود دیگری بود؛ که خدا به آن پیشی نداشت، در حالی که خدا بود و غیر از او هیچ چیز دیگری نبود."

به همین جهت، روایات رسیده از معصومین علیهم‌السلام این ماده را ابداعی یا به تعبیر دیگر "لا مِن شَيءٍ" می‌دانند (الاحتجاج/۹۸/۱: عن الرضا علیه‌السلام: إبتدَعَ الأشياءَ لا مِن شَيءٍ كانَ قبلَها).

در ادامه روایت مرد شامی، امام باقر علیه‌السلام عبارت دیگری را در تاکید بر آغازین بودن ماء به کار برده و فرموده است که هر چیزی به ماء منسوب است، ولی خود ماء منسوب به چیزی نیست: "فَجَعَلَ نِسَبَ كُلِّ شَيءٍ إلَى الماءِ وَ لَم يَجعَل لِلماءِ نِسَباً يُضافُ إلَيهِ"؛ پس نسبت هر چیزی را به ماء قرار داد و برای ماء هیچ نسبتی که به آن منسوب گردد، قرار نداد." (الکلینی، الکافی/۹۴/۸).

اگر مجرّد را موجودی بدانیم که هیچ نوع ویژگی مادی ندارد (مصباح یزدی، آموزش

فلسفه/۱۵۹/۲) و مشمول زمان و مکان نمی‌شود، این ماده اولیه خلقت مجرّد نیست، زیرا حادث است و آغاز آفرینشی دارد. از طرفی نفس آفریده شدن همه چیز از ماء، نشان دهنده مادّی بودن آن است (همان/۱۶۰/۲). زیرا امکان ندارد که از یک موجود مجرد، موجودات مادی ساخته شود. پس این کلام امام باقر علیه‌السلام که منشأ هر چیزی را ماء بیان می‌دارد، نشان می‌دهد که همه عوالم، چه آخرتی و چه دنیوی، مادی اند؛ با این تفاوت که برخی لطیف و برخی کثیف (ویژگی جسمانی)اند.

از آنجا که ماء سرچشمه هر موجودی ـ هر چند موجودات لطیف و غیرمحسوس ـ است، از تمامی آن عناصر و موجودات، لطیف‌تر و بسیط‌تر است؛ از این رو عبارت «ماء بسیط» می‌تواند عنوان شایسته‌ای باشد که برخی از اندیشمندان برای آن برگزیده‌اند (میرزا مهدی اصفهانی، معارف القرآن/۶۵/۳). از این پس، در این مقاله نیز از این عنوان استفاده کرده ایم تا به راحتی آن را از آب و یا سایر کلمات مشابه جدا و مشخص سازیم. امام رضا علیه‌السلام در معرفی این ماده به عمران صابی، از ویژگیِ محدود بودن و اندازه داشتن آن سخن گفته و با این ویژگی، این ماده مخلوق را از خالق آن جدا ساخته است: " وَاعلَم أنَّ الواحِدَ الَّذي هُوَ قائِمٌ بِغَيرِ تَقديرٍ و لا تَحديدٍ خَلَقَ خَلقاً مُقَدَّراً بِتَحديدٍ وَ تَقديرٍ"؛ " بدان، خدای یکتایی که بی حدّ و اندازه است، آفریده‌ای را خلق کرد که دارای حد و اندازه بود." (الصدوق، التوحید/۴۳۸).

امام رضا علیه‌السلام در این روایت، بیان می‌فرماید که این ماده، نه در چیزی موجود شده و نه تکیه به چیز دیگری داشته است: "لا في شَيءٍ أقامَهُ و لا في شَيءٍ حَدَّهُ"؛ و در نقلی دیگر از آن تعبیر به جوهر کرده است. (ابن شهرآشوب، المناقب/۳۵۴/۴).

این جوهر با اَعراضی که بر آن وارد می‌شود، گوناگون شده و به شکل‌های مختلف درمی‌آید: "مُختَلِفاً بِأعراضٍ وَ حُدودٍ مُختَلِفَةٍ" (الصدوق، التوحید/۴۳۰).

به این ترتیب، با کاستن و افزودنِ این اَعراض یا ویژگی‌ها، ماء بسیط به چیزهای مختلفی تبدیل می‌گردد؛ همان طور که آب انگور به شراب تبدیل می‌شود. (ابن شهرآشوب، المناقب/۳۵۴/۴:... و انقَلَبَت كَانقِلابِ العَصيرِ خَمراً). بدین سان در نظام معرفتی اهل بیت علیهم‌السلام تنها

یک جوهر هست که ماده اولیه آفرینش و سرچشمه و منشأ همه موجودات می‌باشد.

ویژگی‌هایی مانند سیال بودن، موج داشتن، شفافیت، انعطاف در ماء بسیط با شدتی بسیار زیادتر از آب، در آن، سبب شده که در برخی از روایات، از آن به "دریا" تعبیر گردد. امیر مؤمنان علیه‌السلام در خطبه اول نهج البلاغه، سخن از دریایی می‌راند (سید رضی، نهج البلاغة/۳۲۸) که خدای متعال ریح را بر آن حاکم کرده است و پس از مراحلی آسمان‌ها و زمین را از آن آفریده است. به نظر برخی از شارحان، این دریا نمی‌تواند همان آب متشکل از اکسیژن و هیدروژن باشد (مکارم شیرازی، پیام امام/۱۷۱/۸-۱۸۰). باید دانست که این دریای موّاج قبل از آفرینش آسمان‌ها و زمین بوده است و در روایات دیگر از جمله حدیث امام باقر علیه‌السلام با مرد شامی نیز همین تعابیر در باره ماء بسیط به چشم می‌خورد (کافی/۹۴/۸). لذا شاید بتوان گفت که منظور از این دریای پهناور مواج، همان ماء بسیط آغاز خلقت است که امیر مومنان علیه‌السلام آن را از نمایه‌های اقتدار الهی و بدایع آفرینش خداوند می‌داند که آسمان‌ها را از آن به وجود آورده است.

خدای متعال با تغییراتی که در ماء بسیط ایجاد کرد، خمیرمایه آسمانها یعنی دخان را (که شباهت به دود دارد) (کافی/۹۴/۸: حتی ثار من الماء دخان) و ماده آغازین زمین که شبیه کف روی آب بوده (کافی/۹۴/۸: حتی ثار من الماء زبد)، فراهم نمود و از این خمیرمایه‌ها آسمانها و زمین را آفرید.

هر کدام از این مواد، شباهت‌هایی با آب و آتش و دود این دنیا دارند که این وجوه مشترک، اجازه کاربرد آن کلمه را داده است. عوارضی که بر ماء وارد شد، موادی را پدید آورد که با کف روی آب و دود تناسب داشته است؛ گرچه دود برخاسته از سوختن چیزی نبوده است، زیرا هنوز نه زمینی بوده، نه آسمانی و نه آتش و آبی. امام باقر علیه‌السلام آیات زیر از سوره نازعات را اشاره‌گر به همین موضوع برمی‌شمارد: «السَّماءُ بَناها*رَفَعَ سَمْكَها فَسَوَّاها *وَأَغْطَشَ لَيْلَها وَأَخْرَجَ ضُحاها» (النازعات/۲۷-۲۹).

و تصریح می‌کند که در آن هنگام، نه خورشیدی بود و نه ماه و نه ستارگان و نه ابری. و خداوند متعال از این ماده، آسمان و زمین را آفرید. او پیش از زمین، آسمان را گستراند و

سپس به گستردن زمین پرداخت که ادامه سوره «وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذٰلِكَ دَحاها» به آن اشاره دارد (النازعات/۳۰).

آشنایی با این جوهر وحدانی، بسیاری از مشکلات و پرسش‌های بشری را حل می‌کند. بدون شناخت این جوهر، باید بیشتر آیات و روایات را یا از معنای اصلی آن منحرف ساخت و یا از طریق تأویلی که صاحب سخن به آن راضی نیست، به معنای دیگری بازگرداند. این گوهر علمی از طریق پیامبر گرامی خداوند متعال ﷺ و جانشینان بحق او به دنیای علم اهدا شده است.

نتیجه سخن:

پس از آشنایی با ماء، اکنون به ترجمه و شرح آیه ۳۰ سوره انبیاء باز می‌گردیم و می‌بینیم که به راحتی و بدون هیچ ابهامی می‌توان آن را ترجمه کرد و معنای آن را فهمید. در این آیه خدای متعال آفرینش همه موجودات زنده را از ماء قرار داده است. در این صورت جعل به معنای خلق و دارای یک مفعول می‌باشد. به این شکل، نه از ظاهر آیه دور می‌شویم و نه معنای آن را تغییر می‌دهیم. از طرف دیگر، لازم نیست که هیچ موجود زنده‌ای چه لطیف و غیر محسوس مانند فرشتگان و پریان و نه هیچ موجود زنده دیگری را از شمول آیه خارج سازیم.

منابع

قرآن کریم

ابن درید، ابوبکر، محمد بن الحسن، **جمهرة اللغة**، دار العلم للملایین، بیروت، ۱۹۸۷ م

ابن شهرآشوب، محمد بن علی، **مناقب آل ابی طالب**، نشر علامه، قم، ۱۳۷۹ش

ابن فارس، احمد، **ترتیب مقاییس اللغة**، مرکز دراسات الحوزة و الجامعة، قم ۱۳۹۰ ق

ابن میثم بحرانی، میثم بن علی، **قواعد المرام فی علم الکلام**، کتابخانه آیة الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۰۶ق

استرآبادی، علی، **تأویل الآیات الظاهرة فی فضائل العترة الطاهرة**، مؤسسة النشر الاسلامی، قم، ۱۴۰۹ق

الاصفهانی، میرزا مهدی، **معارف القرآن**، مؤسسة معارف اهل البیت علیهم‌السلام، قم، ۱۴۳۸ق

الجوهری، اسماعیل بن حماد، **الصحاح تاج اللغة و صحاح العربیة**، دارالعلم للملایین، بیروت، ۱۴۰۷ق

جوادی آملی، عبدالله، **تفسیر تسنیم**، مرکز نشر إسراء، قم

الرازی، محمد بن ابی بکر، **أسئلة القرآن المجید و أجوبتها**، المکتبة العصریة، بی تا
الرازی(فخرالدین)، محمد بن عمر، **مفاتیح الغیب**، دار إحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ ق
زبیدی، محمد بن محمد، **تاج العروس من جواهر القاموس**، دارالفکر، بیروت، ۱۴۱۴ ق
الزمخشری، جار الله، **الکشاف عن حقایق التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۴ق
الشوکانی، محمد بن علی، **فتح القدیر**، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۱۴ق
الصدوق، محمد بن علی، **التوحید**، مکتبة الصدوق، تهران، ۱۳۹۸ق
طباطبایی، سید محمد حسین، **الرسائل التوحیدیة**، مؤسسة النعمان، بیروت، ۱۴۱۹ق
طباطبایی، سید محمد حسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین، قم، ۱۴۱۷ق
الطبرسی، احمد بن علی، **الإحتجاج علی أهل اللجاج**، انتشارات اسوه، تهران، ۱۴۱۳ق
الطبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، دار آحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۳۷۹ق
الطوسی، محمد بن الحسن، **التبیان في تفسیر القرآن**، دار احیاء التراث العربی، بیروت،
کاپلستون، فردریک، **تاریخ فلسفه**، مترجم: جلال الدین مجتبوی، شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۸۰ش
کاشانی، ملا فتح الله، **منهج الصادقین فی الزام المخالفین**، کتابفروشی محمد حسن علمی، تهران، ۱۳۳۶ش
الکلینی، الکافی، دارالکتاب الإسلامیّة، تهران، ۱۳۸۸ق ؛ همین کتاب، دار الحدیث، تهران، ۱۴۳۰ق
مجلسی، محمد باقر، **بحارالانوار الجامعة لدرر اخبار الائمة الاطهار**، نشر دار احیاء التراث العربی، بیروت ۱۴۰۳ ق
مصباح یزدی، **آموزش فلسفه**؛ انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، قم. ۱۳۹۱
مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران ۱۳۶۸ش
معرفت، محمد هادی؛ **التمهید في علوم القرآن**، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۱۵ ق
مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۷۴ش
میبدی(رشیدالدین)، احمد بن ابی نصر، **کشف الاسرار و عدة الابرار**، انتشارات امیر کبیر، تهران، ۱۳۷۱ش